

طراحی و ارائه مدل ساختاری برای مدیریت مناسب توسعه روستایی در ایران

سید جمال فرج اله حسینی*

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

سحر ده یوری

استادیار گروه کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام‌شهر، تهران، ایران

مجتبی پالوج

استادیار موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، ایران

مرتضی شجاعی

مشاور موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، ایران

چکیده

با علم به این که اقتصاد کشورهای در حال توسعه، بر محوریت کشاورزی است و این مسأله که عمده فعالیت آنان در روستاها صورت می‌پذیرد، نیاز است که برنامه‌ها و راهبردهایی در قالب مدیریت در محیط‌های روستایی اعمال شود تا مسیر دستیابی به توسعه بخش کشاورزی که لازمه توسعه ملی است، را هموار سازد. هدف تحقیق، شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مدل ساختاری مدیریت توسعه روستایی است. این تحقیق که از نوع توصیفی و تحلیلی است با روش پیمایشی جمعیت روستایی چهار گروه شوراهای اسلامی، دهیاری‌ها، مراکز خدمات کشاورزی و معتمدان محلی را در سه استان فارس، مازندران و اصفهان به وسیله پرسشنامه مورد پرسش قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که مدل معادلات ساختاری، مدل مفهومی را تأیید می‌کند. مؤلفه‌های تأثیرگذار در مدیریت توسعه روستایی نیز شامل ابعاد مدیریت روستایی، نقاط قوت، ضعف، تهدیدات و فرصت‌ها بودند. همچنین این مؤلفه‌ها زمانی می‌توانند کاربرد بیشتری داشته باشند که راهکارها و معیارهای ساختاری مدیریت، و اجرایی شدن وظایف نهادهای دولتی و محلی درگیر در مدیریت روستایی در نظر گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت روستایی، مدل ساختاری، توسعه روستایی، طراحی مدل

مقدمه

تحقق یافت. از طرفی ارائه خدمات و امکانات در مواردی موجب تبدیل روستاییان پرتلاش به افرادی رفاه‌طلب و مدگرا شده است که همواره در انتظار دریافت خدمات نقدی (کمیت‌آمده) و غیر نقدی از سوی دولت هستند (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۱).

با توجه به جایگاه، اهمیت و نقش جامعه روستایی و مسائل و مشکلاتی که این جامعه با آن مواجه است و همچنین با توجه به شرایط کشور، ضرورت و اهمیت توسعه روستایی روشن و آشکار است. هرچند از میانه این قرن به تدریج از سهم جمعیت روستایی کاسته شده و شهرنشینی گسترش یافته است، اما آمار نشان می‌دهد هنوز قریب به یک‌سوم جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کنند، به طوری که طبق آخرین سرشماری جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰، حدود ۲۹ درصد از جمعیت کشور که معادل ۲۱۷۹۳۴۰۴ نفر است، در روستاها زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

با بررسی کلی تعاریف توسعه روستایی از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف، می‌توان نکات کلیدی درباره نگرش جدید در توسعه روستایی که نماینده اصول مدیریتی به کار گرفته شده در کشورهاشان می‌باشد، را مدنظر قرار داد. از جمله این نظرات عبارت‌اند از:

- جامعیت فرآیند توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی) (Attfield & Barry, 1992)
- مردم‌گرایی، مشارکت و درون‌زایی (Abrahamson, 1996; ESCAP, 2002; Umana, 1997)
- آزادی انتخاب و برابری در دسترسی به فرصت‌ها (Axinn & Axinn, 1997; Abrahamson, 1997; Uphoff, 1991; Dobie, 2004)
- توانمندسازی، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی و اطلاعات (Abrahamson, 1997; Uphoff, 1991; Dobie, 2004; Umana, 2002)
- ایجاد تغییرات آرام در دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، شیوه مصرف با شیوه‌ای مدیریتی و اداری (Balazs & Podmaniczky, 2001; Umana, 2002; ESCAP, 2000)

با شتاب گرفتن فرایند صنعتی‌شدن، ایران با چالش نابرابری فزاینده مناطق شهری و روستایی، انفجار جمعیت در شهرهای بزرگ و از سوی دیگر از دست رفتن سرمایه‌های فیزیکی و انسانی روستاهای متروکه مواجه است، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کوشیده‌اند تا با اعمال سیاست‌های متفاوت، توسعه روستایی را تسریع کنند و این وضعیت نامطلوب را تغییر دهد (مختاری و زارعی، ۱۳۷۹). بهتر است مشکلات آینده کشورهای درحال توسعه، اعم از بیکاری، فقر، کمبود درآمد، گرسنگی، کمبود تولید و غیره ابتدا در روستاها حل‌وفصل گردد. بنابراین توسعه روستایی به خاطر حل مشکلات مزبور و مخصوصاً برآوردن نیازهای اساسی مردم روستایی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است (طاهری، ۱۳۷۰). به‌طور کلی ضرورت توجه به توسعه روستایی ناشی از عواملی چون؛ توسعه کشاورزی، توزیع بهینه جمعیت، استفاده از ظرفیت‌های تولیدی، بازسازی ظرفیت‌های تولید، بازسازی اقتصاد کشور، عدالت اجتماعی، رفع فقر و محدودیت‌های اجتماعی می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۹).

در استراتژی توسعه ملی که پس از انقلاب و در قالب برنامه‌های توسعه‌ای مطرح گردیدند مبانی اعتقادی و فرهنگی، اساس توسعه را تشکیل دادند به طوری که استقلال و پیشرفت عدالت اجتماعی مقاصد اصلی توسعه به حساب می‌آمدند، براین اساس و در راستای دستیابی به این اهداف، طرح پایه آمایش سرزمینی برای سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ و در دهه اخیر مورد توجه قرار گرفتند.

با انتخاب نظریه رفاه عمومی، در واقع رفاه، معادل توسعه در نظر گرفته و سعی شد با ارائه خدمات رفاهی از طرف دستگاه‌های مسئول که بازده اقتصادی مستقیم ندارد، به اصل عدالت اجتماعی جامه عمل ببوشاند، ولی با گذشت سی سال توسعه روستایی نه‌تنها محقق نشد، بلکه رشد اقتصادی در حداقل آن

عمده سیاست‌های کلان توسعه روستایی از دیدگاه قطب (۱۳۷۹) جامع‌نگری و ایجاد هماهنگی در نظام برنامه‌ریزی توسعه، اصلاح ساختار مدیریتی روستا و ایجاد مدیریت واحد در توسعه روستایی و ارتقاء شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. ضمن اینکه بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۱۰ خود، شاخص‌های توسعه روستایی و کشاورزی را به‌منظور دستیابی به اهداف توسعه روستایی مطرح کرده است (World Bank, 2010).

همچنین با در نظر گرفتن فعالیت‌های زیادی که در این رابطه صورت گرفته است؛ توجه به این امر مهم است که، مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به مطلوب را کنترل می‌کند. همچنین روستاها به‌عنوان مکان‌هایی خاص با شیوه زندگی متفاوت، نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر روستا هستند. در دهه‌های اخیر نیز از یک‌سو، مدیران و برنامه‌ریزان روستایی بدین نتیجه رسیده‌اند که بدون مشارکت مردم محلی، در کنار دولت و بازار دستیابی به توسعه پایدار ممکن نیست (دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ۱۳۸۲)، که این مهم در حال حاضر با اعمال سیستم‌های مدیریتی فرسوده گذشته قابل دستیابی نیست.

از سوی دیگر، تغییر در شیوه مدیریتی مستلزم نگاهی نو به نقش نهادهای مؤثر در روستا می‌باشد. در نتیجه به دلیل پویایی جامعه روستایی، هیچ نسخه از پیش تجویز شده‌ای بدون مشارکت مستقیم مردم و دولت در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت پاسخگوی کاستی‌ها نمی‌تواند باشد و فرآیند مدیریت برنامه‌ریزی روستایی نیازمند دستیابی به یک نقطه تعادل میان قدرت‌های مؤثر در آن است که از آن به‌عنوان مدیریت مشارکتی با تأکید بر مدیریت بومی نام‌برده می‌شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

در این راستا، طاهری (۱۳۷۰) اعتقاد دارد که تحرک بخشیدن و انسجام دادن به منابع بومی برای

- ایجاد ارتباط پیوند کارآمد درون گروهی بین کنش‌گران توسعه و مردم محلی (World Bank, 2001).

همچنین، توسعه یک ناحیه روستایی باید در چارچوب کلی سیاست‌های ملی طراحی گردد (Oddershede, 2017). چرا که این مسئله نشانگر پیوستگی توسعه روستایی و توسعه ملی است. مایکل تودارو (۱۳۷۷)، ابعاد و اهمیت توسعه روستایی و نقش آن در توسعه ملی را بدین‌صورت بیان می‌کند: "توسعه کشاورزی و توسعه روستایی محور اصلی توسعه ملی است" وی معتقد است که توسعه و رشد بخش کشاورزی به‌عنوان موتور و محرکه اصلی توسعه روستایی است و علت آن را اشتغال بیش از ۸۰ درصد جمعیت روستایی جهان سوم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های کشاورزی می‌داند. از نظر تودارو توسعه ملی، وابسته به توسعه روستایی است چراکه ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی مثل فقر، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد. آنتوان داکوره، نیز مانند تودارو توسعه روستایی را شرط توسعه ملی می‌داند و به این منظور تأکید خاصی بر رشد بخش کشاورزی دارند. نقش توسعه روستایی در توسعه ملی را می‌توان در ۴ بعد کلی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی امنیتی بررسی کرد (از کیا، ۱۳۶۵).

از اینجا می‌توان به این مسئله رسید که باید شاخص‌ها و استانداردهایی باشد که با توجه به آن‌ها به سطح توسعه روستایی پی برد. این استاندارد را شاخص توسعه روستایی می‌گویند، که به کمک این شاخص‌ها می‌توان کشورهای مختلف را از نظر قابلیت دستیابی به آن‌ها مقایسه کرد. هرچند باید به این نکته نیز توجه کرد که در مفاهیم ارائه‌شده، توسعه باید مطابق با سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی باشد (شهبازی، ۱۳۸۱).

خسروی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "جایگاه آموزش در بهبود مدیریت توسعه روستایی" (مطالعه موردی: دهیاری‌های شهرستان کوهدشت)، به این نتیجه رسید که دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برگزارکننده در بهبود عملکرد دهیاری‌ها و توانمندسازی دهیاران و ارتقاء جایگاه آن‌ها در نظام مدیریت توسعه روستایی بسیار مؤثر و دارای تأثیرات مثبت می‌باشد.

شیوایی (۱۳۷۹) با بررسی تنگناهای مکانی-فضایی توسعه سکونت‌گاه‌های روستایی، تأکیدی بر مدیریت فضا در روستا داشته است.

سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی (۱۳۸۶) در طرحی به بررسی فعالیت‌های عمران روستایی جهاد سازندگی (با تأکید بر شیوه‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا در مدیریت فعالیت‌های عمران روستایی) با هدف بررسی فعالیت‌های عمرانی انجام‌شده توسط آن دستگاه در دوره‌های زمانی مختلف، نقاط قوت وضعف برنامه‌ها، طرح‌ها و روش‌های اجرایی پرداخته است.

موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان توسعه روستایی در ایران (مروری بر تجارب و دست‌آورد‌های سی‌ساله، ضمن بررسی روند تحولات توسعه روستایی در ایران، زیربنای روستایی و چشم‌اندازهای توسعه روستایی را مورد بررسی قرار داده است.

معاونت صنایع و توسعه روستایی (۱۳۸۴) در بررسی ساختار مناسب مدیریت توسعه روستایی، مناسب‌ترین گزینه برای مدیریت توسعه روستایی بدون اینکه منجر به گسترش تشکیلات دولت گردد، وزارت جهاد کشاورزی می‌داند. در صورتی که سیاست‌های دولت در مقوله کوچک‌سازی و واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی نیز مراعات شود.

اهداف تحقیق

هدف تحقیق، بررسی برنامه‌های راهبردی در زمینه مدیریت توسعه روستایی با تأکید بر مؤلفه‌های

نیل به توسعه ملی و محلی و دخالت مؤثر و کارآمد این منابع در فرآیند توسعه، زیربنا و شالوده نگرش و راهبردی را تشکیل می‌دهد که در راستای نیل به توسعه روستایی طرح و تدوین می‌شود. تجربیات تحقیقاتی نشان داده است که حتی در شرایط بسیار سخت می‌توان مدل‌های موفق مدیریت مشارکتی را ارائه داد. از طرف دیگر یکی از چالش‌های مورد بحث در مدیریت مشارکتی، تشویق به ایجاد تغییرات در سازمان‌های دولتی در سطح ملی، به‌عنوان مرتبط‌ترین نهاد با سطوح روستایی بخصوص در ایران می‌باشد. همچنین داشتن نظارت طولانی‌مدت بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و اکولوژیکی و تطبیق پیدا کردن با این شرایط، می‌تواند پیشرفت در زمینه را به جلو هدایت کند (تایلر، ۱۳۸۸).

پیش‌شرط لازم و اساسی برای حرکت به سوی توسعه کشاورزی و روستایی، توسعه منابع انسانی و توسعه اجتماعی است (Fruttero & Gauri, 2003). در وضعیت کنونی، جهت دستیابی به اهداف توسعه در مناطق روستایی، ضمن تأمل و تعمق بیشتر در عرصه علل عدم موفقیت برنامه‌های پیشین، تجدیدنظرهای کلی در استراتژی‌های گذشته صورت گرفته و راهبردهای نوینی در این عرصه ارائه شده که بسیار جامع‌تر و درعین‌حال پیچیده‌تر می‌باشد. در این راستا، راهبردهای توسعه منابع انسانی و اجتماعی، رویکردی قاطع و جامع به توسعه منابع انسانی محلی در مجامع روستایی دارد و از طریق اجرای راهکارهایی متعدد درصدد فعال نمودن سرمایه‌های اجتماعی است.

ضابطیان و همکاران (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان بررسی موانع و تنگناهای مدیریت توسعه روستایی ایران (مطالعه موردی فارس) به شناخت عوامل مؤثر درونی و بیرونی مدیریت در شکل‌گیری، تشخیص نیازهای واقعی و افتراق بین این نیازها و نیازهای کاذب و کم‌اهمیت، یافتن نیازهای ذهنی و عینی روستائیان، امکان‌سنجی توان روستا در جهت رفع نیازها، اولویت‌بندی و یافتن ترتیب ارجحیت نیازها، پرداختند.

شرایط فعلی مدیریت توسعه روستایی می‌پردازد و همبستگی از این نظر که روابط حاکم بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه آماری شامل چهار گروه به قرار جدول زیر در سه استان شمالی، مرکزی و جنوبی (مازندران، اصفهان و فارس) می‌باشد (جدول ۱). در نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده گردیده است. متغیرهای تحقیق شامل ابعاد مدیریت توسعه روستایی، عوامل تأثیرگذار در تدوین الگوی مدیریت روستایی نوین، تبیین نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای مدیریت روستایی بر مبنای تکنیک SWOT، راهکارها مدیریت روستایی و معیارهای ساختاری مدیریت روستایی و همچنین میزان دستیابی به اهداف دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستایی با متغیر مکنون مدل نوین مدیریت توسعه روستایی در ایران بوده است.

تأثیرگذار بر تعیین و تقویت ساختارهای مدیریتی کارآمد در شرایط توسعه روستایی ایران می‌باشد.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است چراکه نتایج حاصل از آن قابل به‌کارگیری در شرایط واقعی بخش توسعه روستایی و کشاورزی می‌باشد. طرح اصلی که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد روش پیمایشی است. به‌منظور دستیابی به الگوی مفهومی از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه مطالعات اسنادی استفاده خواهد شد. بر اساس ویژگی‌های این پژوهش، متغیرها قابل دستکاری نیستند و تنها به بررسی وضعیت موجود و توصیف آن پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود تا روابط بین متغیرها مشخص شود. بنابراین پژوهش حاضر از نظر کنترل متغیرها، از نوع توصیفی است. توصیفی از آن جهت که به توصیف

جدول ۱. حجم نمونه از جامعه آماری

جامعه آماری	استان‌ها	اصفهان	فارس	مازندران	کل
شورای اسلامی روستا	جامعه آماری	۹۱۵	۲۱۴۲	۲۳۵۸	۵۴۱۵
	حجم نمونه	۶۴	۱۵۰	۱۶۶	۳۸۱
دهیاری	جامعه آماری	۷۲۱	۱۲۳۹	۱۴۸۷	۳۴۴۷
	حجم نمونه	۷۲	۱۲۴	۱۴۹	۳۴۶
مراکز خدمات	جامعه آماری	۴۴	۴۱	۱۰۶	۱۹۱
	حجم نمونه	۳۰	۲۷	۷۰	۱۲۷
معتمدان دهستان	جامعه آماری	۱۲۲	۱۹۳	۱۱۳	۴۲۸
	حجم نمونه	۵۷	۹۰	۵۳	۲۰۱

مکنون با استفاده از SEM، در ابتدا برای شناخت همانندی مدل از فرمول $(p+1)/2$ جهت محاسبه ارزش‌های منحصر به فرد^۱ استفاده شد که p تعداد متغیر نشانگر می‌باشد. در ادامه با محاسبه پارامترها و کم کردن تعداد نشانگرها از پارامترها از فرمول بالا، مقدار درجه آزادی به دست می‌آید که در اینجا با ۵۳ نشانگر این میزان برابر با ۱۴۹۷ می‌باشد. از آنجایی که درجه

یافته‌ها

مدل اندازه‌گیری مدیریت نوین توسعه روستایی

در ایران

برای دستیابی به مدل مفهومی و تعیین عوامل مؤثر بر مدیریت توسعه روستایی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در این تحقیق برای دستیابی به مدل از معادلات ساختاری استفاده شد. برای بررسی رابطه درجه اول و دوم بین دو مجموعه از متغیرهای

^۱ Unique Values

ایران با ضریب تعیین ($R^2 = ۰/۶۲$) اثر مستقیم در شناسایی متغیر مکنون SWOT دارد. یعنی ۶۲ درصد از مجموع تغییرات متغیر SWOT تحت تأثیر تغییرات فرصت‌های مدیریت روستایی در ایران می‌باشد که به‌عنوان واریانس تبیین شده است و ۳۸ درصد واریانس متغیر وابسته به‌عنوان واریانس تبیین نشده و مربوط به عوامل دیگر می‌باشد.

درحالی‌که میزان ضریب تعیین برای بعد سازمان‌دهی ($R^2 = ۰/۷۹$) یعنی ۷۹ درصد از مجموع تغییرات متغیر مکنون ابعاد مدیریت روستایی تحت تأثیر تغییرات بعد سازمان‌دهی می‌باشد که به‌عنوان واریانس تبیین شده است و ۲۱ درصد واریانس متغیر وابسته به‌عنوان واریانس تبیین نشده و مربوط به عوامل دیگر می‌باشد.

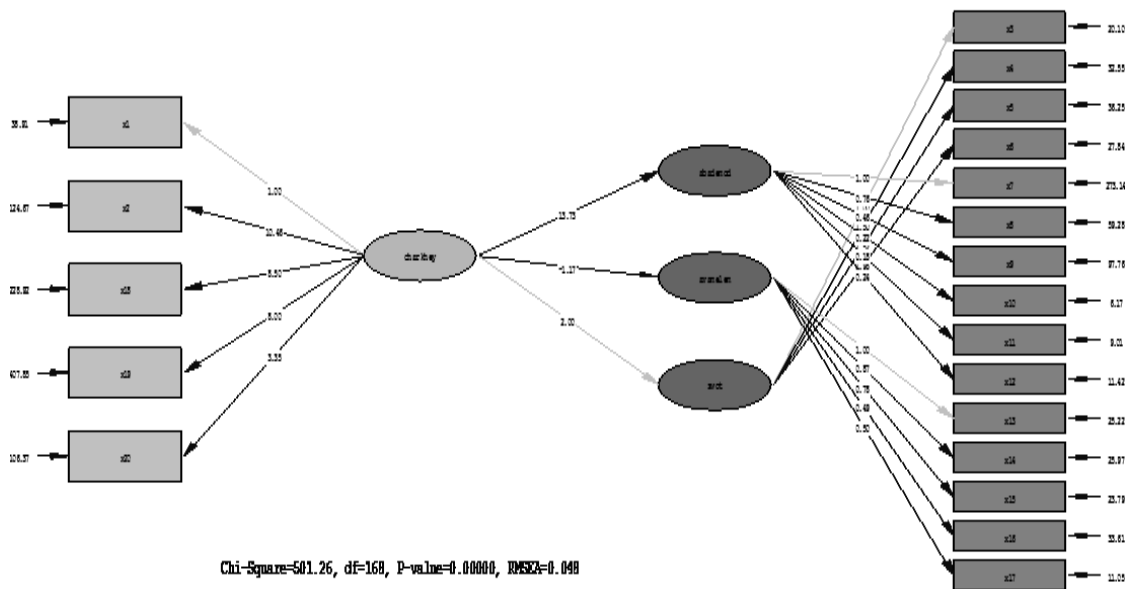
عامل اجتماعی با ضریب تعیین ($R^2 = ۰/۵۸$) در شناسایی متغیر مکنون عوامل تأثیرگذار در تدوین الگوی مدیریت روستایی در ایران، اثر مستقیم دارد. یعنی ۵۸ درصد از مجموع تغییرات متغیر عوامل تأثیرگذار در تدوین الگوی مدیریت روستایی در ایران تحت تأثیر تغییرات عامل اجتماعی می‌باشد که به‌عنوان واریانس تبیین شده است و ۴۲ درصد واریانس متغیر وابسته به‌عنوان واریانس تبیین نشده و مربوط به عوامل دیگر می‌باشد. در مرحله‌ی دوم، برای شناسایی بزرگ‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت نوین توسعه روستایی نیز از معادلات ساختاری استفاده شد. بر اساس ضرایب تعیین به‌دست‌آمده می‌توان دریافت که متغیر مکنون راهکارهای مدیریت روستایی با ضریب تعیین ($R^2 = ۰/۵۰$) در شناسایی متغیر مکنون مدیریت نوین توسعه روستایی اثر مستقیم دارد. یعنی ۵۰ درصد از مجموع تغییرات متغیر مدیریت توسعه روستایی تحت تأثیر تغییرات راهکارهای مدیریت روستایی می‌باشد که به‌عنوان واریانس تبیین شده است و ۵۰ درصد واریانس متغیر وابسته به‌عنوان واریانس تبیین نشده و مربوط به عوامل دیگر قیدشده در جدول ۲ (نگاره ۱) می‌باشد.

آزادی از تعداد نشانگرها بیشتر می‌باشد، مدل عامل‌های آماری با نشانگرهایشان قابل‌شناسایی می‌باشد و می‌توان آن را به‌صورت آماری آزمون کرد. در ادامه برای آزمون مدل و تعیین برازش آن، همه نشانگرها به تعداد ۱۵ نشانگر کلی که از جمع نشانگرهای قبلی به‌دست‌آمده بود به‌صورت کلی وارد تحلیل شدند که ارتباط کلی با دسته اول متغیرهای مکنون پیدا می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که مدل مفروض معنی‌دار است، زیرا، عدد معناداری (مقادیر t) آن از عدد ۲ بزرگ‌تر (یا از عدد ۲-) می‌باشد. برای دستیابی به اهداف تحقیق و تهیه نظام اصلی از تمامی روابط موجود و به‌دست‌آمده قبلی و همچنین برای دستیابی به این موضوع که مدل علی ارائه‌شده در دیاگرام مدل ساختاری چه میزان از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند، مدلی با استفاده از برنامه معادلات ساختاری برای متغیرهای ترتیبی طراحی شد. در این مرحله سعی بر این بود که روابط ساختاری مفروض این عامل‌ها و میزان تأثیرشان با مدیریت توسعه روستایی بررسی شوند. در این مرحله متغیرهایی مکنون واسطه‌ای در نظر گرفته می‌شود تا بدین‌وسیله مدل نظری تأیید شود. بر اساس نتایج استخراج‌شده از تحلیل مسیرهای انجام‌شده، رابطه‌ها در معادله ساختاری متغیرهای رتبه‌ای مفروض شدند و مدل معنی‌دار شد. به‌طوری‌که هرکدام از متغیرهای ابعاد مدیریت توسعه روستایی، عوامل تأثیرگذار در تدوین الگوی مدیریت روستایی نوین، SWOT مدیریت روستایی در ایران، راهکارها مدیریت روستایی و معیارهای ساختاری مدیریت روستایی، و همچنین میزان دستیابی به اهداف دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستایی با متغیر مکنون مدل نوین مدیریت توسعه روستایی در ایران رابطه دارند. میزان ضریب تعیین نشان‌دهنده رابطه میزان تأثیرگذاری هرکدام از این متغیرها بر روی متغیرهای مکنون موردنظر می‌باشند.

بر اساس ضرایب تعیین به‌دست‌آمده می‌توان دریافت که عامل فرصت‌های مدیریت روستایی در

جدول ۲. تحلیل مدل معادلات ساختاری مدیریت نوین توسعه روستایی

خطای استاندارد	T	ضریب استاندارد R ²	ضرایب مسیر	متغیر مکنون دوم	متغیر مکنون اول
۰/۹۲	۷/۶۶	۰/۳۹	۲/۰۰	مدیریت نوین توسعه روستایی	SWOT
۱۹/۶۷	۹/۵۲	۰/۵۳	۱۳/۷۳	مدیریت نوین توسعه روستایی	ابعاد مدیریت روستایی
۳/۵۶	۱۲/۶۳	۰/۳۳	-۱/۱۷	مدیریت نوین توسعه روستایی	عوامل تدوین الگوی مدیریت روستایی
۱/۹۷	۱۹/۷۸	۰/۰۲۸	۱/۰۰	مدیریت نوین توسعه روستایی	معیارهای ساختاری مدیریت روستایی
۱/۴۲	۱۳/۲۴	۰/۵۰	۱/۴۶	مدیریت نوین توسعه روستایی	راهکارهای مدیریت روستایی
۱/۰۱	۱۷/۶۰	۰/۲۶	۱/۵۰	مدیریت نوین توسعه روستایی	الگوهای کشاورزی
۱/۷۲	۱۸/۷۸	۰/۱۵	۲/۰۰	مدیریت نوین توسعه روستایی	وضعیت دهیاری‌ها
۱/۵۵	۱۹/۱۶	۰/۱۱	۳/۳۵	مدیریت نوین توسعه روستایی	وضعیت شوراهای اسلامی

نگاره ۱. رابطه متغیرهای مکنون درجه اول و دوم عوامل اثرگذار بر مدیریت نوین توسعه روستایی^۱

^۱ متغیرهای مکنون عبارتند از متغیر مکنون اصلی مدیریت مناسب توسعه روستایی و متغیرهای مکنون درجه دوم عبارتند از SWOT، ابعاد مدیریت روستایی و عوامل تاثیرگذار تدوین الگوی مدیریت روستایی می‌باشند. همچنین نشانگرهای x_1 تا x_{20} به ترتیب عبارتند از: معیارهای ساختاری مدیریت روستایی، راهکارهای مدیریت توسعه روستایی، نقاط ضعف، فوت، فرصت‌ها و تهدیدها، ابعاد برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، هماهنگی، کنترل و ارزیابی، عوامل مدیریتی، اجتماعی، سیاستگذاری، اقتصادی و آموزشی، همچنین الگوهای کشاورزی وضعیت دهیاری‌ها وضعیت شوراهای اسلامی

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

RMR	AGFI	GFI	NFI	CFI	RMSEA	Df	P-value	شاخص برازش
۰/۷۶	۰/۸۴۵	۰/۸۷۲	۰/۹۴۹	۰/۹۴	۰/۰۴۸	۱۶۸	۰/۰۰۰	مقدار

ابتکارات به جامعه روستایی و...) به طرف تقاضا (عدم تمرکز، کمک به زبان‌آوری، تأکید بر تواناسازی مردم برای کنترل بیشتر بر زندگی و مکان زیست خویش...) به‌عنوان رویکرد جدید دانست. در این رویکرد غالب تفکری بر اساس اعتبار دادن به دانش بومی، مشارکت در تصمیم‌گیری و تحقق نیازهای امروز به‌صورت پایدار برای نسل آینده، می‌باشد.

همچنین، با توجه به این واقعیت که امروزه پارادایم مسلط توسعه روستایی تمرکززدایی است که به‌صورت مشارکتی و ارتباط افقی بخش‌ها و دستگاه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، در مقابل بحث متمرکز، غیر مشارکتی و ارتباطات عمودی قرار می‌گیرد و می‌توان گفت، توانمندسازی و توان‌افزایی یکی از ارکان اصلی مدیریت توسعه روستایی است و باید از طریق افزایش انتخاب، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه فردی و گروهی، تصمیم‌گیری دموکراتیک و توانمندسازی مردم به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی و مدیریت فضای زیست خود بدان توجه شود. پس می‌توان با وجود دیدگاه بخشی همراه با جلوگیری از موازی‌کاری به همراه جلوگیری از تداخل سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و اجرای بخشی با آگاهی از نیازها و شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها برای تغییر ساختار سازمانی در مدیریت توسعه روستایی به ایجاد تغییرات ساختاری رو آورد که با آگاهی از سازمان ذی‌ربط و مسئول، آگاهی از میزان نفوذ و تأثیرگذاری، آگاهی از وظایف و عملکردهای سازمانی و دستگاهی، آگاهی از نوع مداخله در مدیریت (برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و آگاهی از سطح تأثیرگذاری (ملی، استانی و محلی)، امکان‌پذیر می‌شود. ۲۲

در مدل ترکیبی سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی (نگاره ۲) آنچه نمود بیشتری دارد و بر اساس نتایج

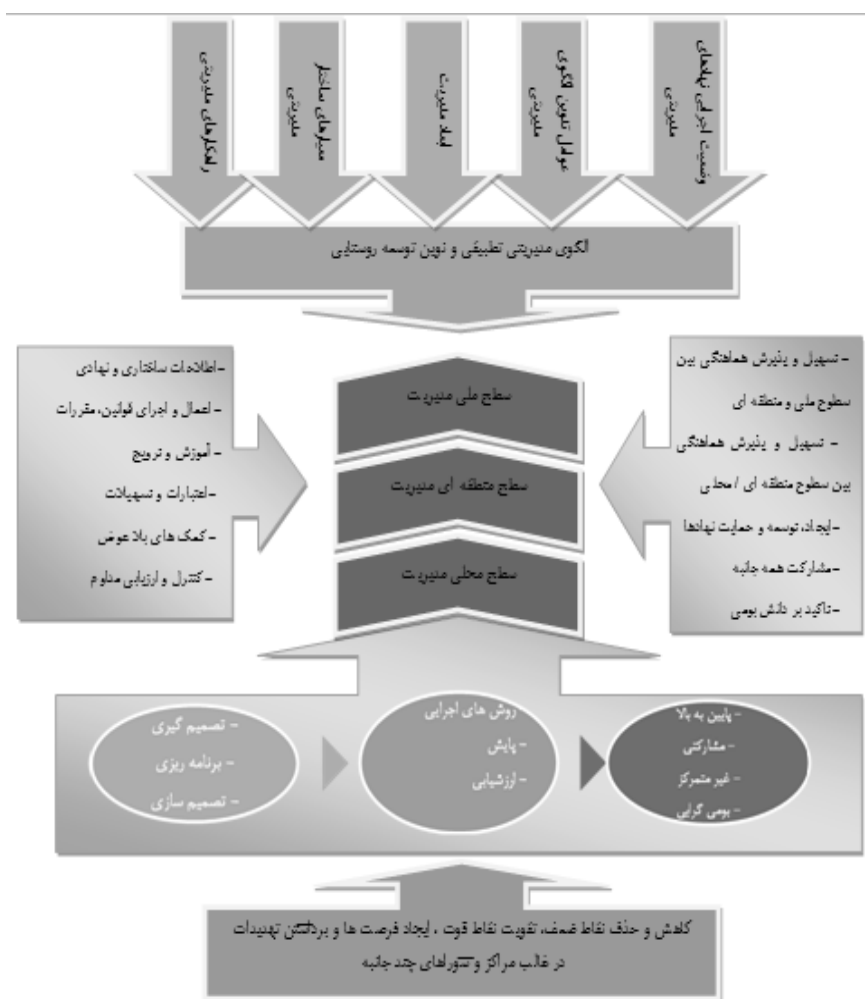
با توجه به مقادیر تمامی شاخص‌های مطرح‌شده برازش مدل را بسیار خوب نشان می‌دهد. که می‌توان این مدل را برازنده قبول کرد (جدول ۳). بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان فرضیه مدل‌سازی که بیان‌کننده توافق مدل نهایی با مدل نظری بوده است را تأیید کرد و عوامل مؤثر در مدیریت نوین توسعه روستایی را در نظر گرفتن ابعاد مدیریت روستایی، عوامل تأثیرگذار در مدیریت توسعه روستایی، در نظر گرفتن نقاط قوت، ضعف، تهدیدات و به‌خصوص فرصت‌ها دانست. در ضمن توجه به این نکته نیز لازم است که این اثرات زمانی می‌توانند موردقبول بوده و کاربرد بیشتری داشته باشند که راهکارهای مدیریت، معیارهای ساختاری رعایت شده و سطح اجرای فعالیت نهادهای دولتی و محلی درگیر در مدیریت روستایی (شوراها، دهیاری‌ها) در نظر گرفته شوند و همچنین به الگوهای کشاورزی توجه شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجود بخش‌های دولتی به‌ویژه ساختار کلان دولت در فرآیند توسعه روستایی بسیار مؤثر و اجتناب‌ناپذیر است. ولیکن میزان و نوع دخالت بخش دولتی و درعین‌حال نوع انتخاب آن، در بهبود این فرآیند بسیار زیاد است و می‌تواند به نفع روستانشینان باشد. شاید بتوان گفت که بهترین نوع دخالت و ایفای نقش و تأثیرگذاری بخش ملی در این فرآیند آگاه‌سازی، توانمندسازی، توان‌افزایی و ظرفیت‌سازی در راستای ایجاد زیرساخت‌های لازم برای نمود اعمال و فعالیت‌های مسیر توسعه روستایی شامل کمک به شناسایی قابلیت‌ها و حقوق خود، در جهت مشارکت بیشتر می‌باشد. بدین معنی که تغییر جهت از طرف عرضه (خدمات‌رسانی، فراهم کردن برنامه‌های توسعه، انتقال

منطقه‌ای، تسهیل و پذیرش هماهنگی بین سطوح منطقه‌ای / محلی، ایجاد، توسعه و حمایت نهادها، مشارکت همه‌جانبه، تأکید بر بومی و دانش بومی شود. ابعاد کلی مدیریت نیز باید به صورت پایین به بالا، مشارکتی، غیرمتمرکز و با تأکید بر بومی‌گرایی اعمال شوند. کاهش و حذف نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، ایجاد فرصت‌ها و کاهش و حذف تهدیدات در کانون‌های مدیریتی در سطوح چندگانه باعث ایجاد دیدگاه راهبردی منطقی می‌شود.

تحقیق انجام‌گرفته، باید الگوی مدیریت بر پایه دانش و آگاهی درباره وضعیت اجرایی نهادهای مدیریتی، ابعاد مدیریتی، معیارهای ساختاری و راهکارهای مدیریتی صورت گیرد. ضمن اینکه رعایت عواملی چون اصلاحات ساختاری و نهادی، اعمال و اجرای قوانین، مقررات، آموزش و ترویج، اعتبارات و تسهیلات، کمک‌های بلاعوض، کنترل و ارزیابی مداوم می‌تواند در هرکدام از سطح‌های ملی، منطقه‌ای و محلی باعث ایجاد تسهیل و پذیرش هماهنگی بین سطوح ملی و



نگاره ۲. الگوی پیشنهادی مدیریت توسعه روستایی

منابع و مآخذ

۱. ازکیا، م. (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. نشر اطلاعات. تهران - چاپ هشتم ۱۳۸۷
۲. افتخاری، ر. (۱۳۸۸). بازآفرینی مدیریت توسعه روستایی در ایران. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فرهنگ جهادی و مدیریت. وزارت جهاد کشاورزی. تهران. خرداد ۱۳۸۸.
۳. پاپلی یزدی، ح.، و ابراهیمی، م. (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت.
۴. تایلر، ا. (۱۳۸۸). مدیریت مشارکتی در منابع طبیعی: یادگیری محلی برای فقرزدایی. ترجمه سید جمال فرج‌اله حسینی. انتشارات: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران
۵. تودارو، مایکل. (۱۳۷۷). توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم. مترجم فرجادی، غلامعلی. انتشارات موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه. تهران.
۶. جهاد کشاورزی. (۱۳۸۲). گزارش عملکرد معاونت توسعه روستایی.
۷. خسروی، ک. (۱۳۸۶). جایگاه آموزش در بهبود مدیریت توسعه روستایی مطالعه موردی: (دهیارهای شهرستان کوه‌دشت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم. دانشگاه شهید بهشتی
۸. دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۸۲). خلاصه گزارش عملکرد گذشته. تبیین و منع موجود و چشم‌انداز آینده توسعه روستایی. کمیته برنامه‌ریزی صنایع تبدیل، تکمیل و توسعه روستایی برنامه چهارم توسعه. گروه توسعه روستایی. خرداد ۱۳۸۲.
۹. سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی. (۱۳۸۶). بررسی فعالیت‌های عمران روستایی جهاد سازندگی (با تأکید بر شیوه‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا در مدیریت فعالیت‌های عمران روستایی). طرح پژوهشی، کتابخانه ملی
۱۰. شهبازی، ا. (۱۳۸۱). توسعه و ترویج روستایی. تهران. دانشگاه تهران
۱۱. شیوایی، ع. (۱۳۷۹). تنگناهای مکانی فضایی توسعه سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر مدیریت فضا، مورد دهستان کبگیان (استان کهگیلویه و بویراحمد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم. دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. طالب، م. (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه. چاپ دوم، تهران.
۱۳. طاهری، ا. (۱۳۷۰). حکومت‌های محلی و عدم تمرکز. انتشارات قومس. چاپ اول.
۱۴. ضابطیان، ج.، اردشیری، م.، و ماجدی، م. (۱۳۷۹). بررسی موانع و تنگناهای مدیریت توسعه روستایی ایران (مطالعه موردی استان فارس). طرح پژوهشی به سفارش وزارت کشاورزی.
۱۵. قطب، م. (۱۳۷۹). گفتگو با پیکار تمدن‌ها. مترجم حسن مبینی، چاپ اول، مرکز انتشارات توسعه علوم.
۱۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
۱۷. مختاری حصار، آ.، و زارعی دستگردی، ز. (۱۳۷۹). بررسی موانع و چالش‌های توسعه روستایی ایران از منظر برنامه‌ریزی. قابل دسترس در: <http://jkm.ir/index.php?blog/show>
۱۸. مقصودی، ط. (۱۳۸۹). توسعه روستایی و استراتژی‌های آن در ایران. انجمن‌های تخصصی دانشجویان.
۱۹. موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی. (۱۳۸۸). توسعه روستایی در ایران. طرح پژوهشی. کتابخانه ملی
۲۰. موسسه توسعه روستایی ایران. (۱۳۸۱). گزارش هم‌اندیشی توسعه روستایی - محور شماره ۲۴ همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه کشور.

28. ESCAP. (2000). The empowerment of the rural poor through decentralization in poverty alleviation actions, Economic and Social Commission for Asia and the Pacific – fifty-sixth session of the commission, PAI/April-june 2000.
29. Fruttero, A., & Gauri, V. (2003). Location decisions and nongovernmental organization motivation : evidence from rural Bangladesh, Policy Research Working Paper Series 3176, The World Bank.
30. Oddershede, A.M. (2007). A Rural Development Decision Support Using Analytic Hierarchy Process. *Journal of Computer Modeling, Elsevier*, 46 (7-8) , 1107-1114.
31. Umana, A. (2002). Generating capacity for sustainable development: Lessons and challenges, choices, June 2002, environmentally sustainable development group leader, UNDP, (www.undp.org)
32. Uphoff, N. (1991). Fitting projects to people. In Cernea, M. M. (Ed.) *Putting People First: Sociological Variables*. New York: Oxford University Press.
33. World Bank. (2010). Data reports. Retrieved from: www.worldbank.com
۲۱. معاونت صنایع و توسعه روستایی. (۱۳۸۴). در بررسی ساختار مناسب مدیریت توسعه روستایی. طرح پژوهشی. کتابخانه ملی
22. Abrahamson, K. V. (1997). Paradigms of Sustainability. In: S. Sörlin, (ed.). *The road towards sustainability, A Historical Perspective, sustainable Baltic Region*. Upsalla University.
23. Attfeld, R., & Barry, W. (1992) , *International Justice And The Third World*. London: Routledge.
24. Axinn G. H., & N. W. Axinn. (1997). *Collaboration in rural development: a practitioner hand book*, London.
25. Balazs, K., & Podmaniczky, L. (2001). *Rural enterprise planning: an applied approach to address new challenges*, Szent Istvan University, Hungary, (www.ktg.gau.hu/~podma/birtok/)
26. Dobie, P. (2004). Models for national strategies: building capacity for sustainable development, *Development Policy Journal*, 1, special issue: Capacity for sustainable development.
27. ESCAP. (1996). *Showing the way: Methodologies for successful rural poverty alleviation projects*, Bangkok.